



۲۰۱۳/۰۷/۱۷

عبدالحكيم سامع

بستر ولادت و پرورش طالب افغان و مطبوعات جهان!

(قسمت دوم)

در جریان جنگ در ماه جنوری، جانب مخالفین دولت ربانی مکرراً همچو موضعگیری را تکرار می نمودند: «کنفرانس ملی باید در باره جنگ در کابل تصمیم اتخاذ نماید.» بر اس گزارش از «پیشاور» می نویسد که گویا: «ربانی رئیس جمهور افغانستان، به استعفاء حاضرخواهد شد، در صورتیکه نمایندگان ۳۰ ولایت به این تقاضا، مهر رجحان بکوبند.» این خبر را مطبوعات اسلامی بنشر سپرده است. کابینه حکومت مجبور بوده است، تا جلسه مشورتی آنرا در یک هتل واقع در سرحد شهر تدویر نماید. «درین جلسه مقام صدراعظم حکمتیار دیگر از رسمیت افتاده است». تا این زمان ربانی به «تیم» قومندانان مجاهدین، متداوماً اعلام می داشته است، که به تقاضاهای «حکمتیار» و «امر ازبک ها، دوستم» مبنی بر استعفاء، تسلیم نخواهد شد او همچنان به تلاش وساطت پاکستان جواب رد داده است. «حکمتیار» بالمقابل بر شرط استعفاء فوری ربانی پافشاری می نموده است. در صبح سال نو، حین بروز جنگ، پاکستان «سرحدات آنرا با افغانستان مسدود ساخته است.»

روز ۱۹ جنوری همین روزنامه می نویسد: «برف مانع جنگ در کابل نشده است» بر اساس گزارش واصله از کابل، می خوانیم: «ملیسه های رقیب در شرق کابل، پایتخت افغانستان، با توپخانه ثقیله به تبادل آتش پراخته اند. جنگ ها ادامه دارد، با وجود آنکه کابل زیر برف مترکم یافته پوشیده شده است. یک «سخنگوی رئیس جمهور ربانی» اعلام داشت که در چنین فرصت آتش بس غیر واقعینانه است، زیرا «جهاد مقدس اعلان شده است.» قوای رئیس جمهور در انتظار قوای حمایتی از ولایات می باشد.»



Raketenangriffe auf die afghanische Hauptstadt Kabul

«فرانکفورتر الگیمانیه سائتونگ»، در گزارش ۲۱ جنوری ۱۹۹۴م، با نشر این تصویر می نویسد: «حملات راکتی بر پایتخت افغانستان، کابل» در متن میخوانیم: «جنگ بر سر قدرت در افغانستان، پایتخت کابل را به ویرانه و خاکستر مبدل ساخته است.»

بتاریخ ۲۵ جنوری ۱۹۹۴م، طیارات «شورشیان» کابل را با بمب باران به لرزه آورده است، که از اصابت سفارت ایران نیز یاد نموده، در عین حال از کشته شدن دو افغان و هم زخمی شدن دو نفر دیگر خبر داده شده است.

«فرانکفورتر روندشاو» در شماره مؤرخ ۲۶ جنوری ۱۹۹۴م آن روز نامه، گزارش واصله مؤرخ ۲۵ جنوری را از منابع سازمان ملل متحد در «نیویارک» منتشر ساخته است، که بدین متن می خوانیم: «بعثت جنگ های شدید در افغانستان، شورای امنیت سازمان ملل متحد، برای نخستین بار، وساطت را بین گروه های متخاصم، در پیش گرفت. بنابر ابتکار ایالات متحده آمریکا، روز دو شنبه این عالی ترین ارگان سازمان ملل متحد، برای اولین مرتبه، از زمان سقوط «حکومت نجیب الله» در سال ۱۹۹۲م ببعده، دوباره با افغانستان مصروف شده است. شورای امنیت از جوانب درگیر در منازعه خسته است، که جنگ را فوراً متوقف سازند...» مخالفین ربانی، استعفاء فوری او را خواستار بوده اند.

تأرخ ۲۸ جنوری ۱۹۹۴م، بار دیگر «زوید دوپچه سائتونگ»، گزارشی را از «هراره»، پایتخت «زیمباوه» در افریقا، که در آنجا، مرکز «پروگرام غذایی جهان – سازمان ملل متحد» واقع می باشد، تحت عنوان «افغانستان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

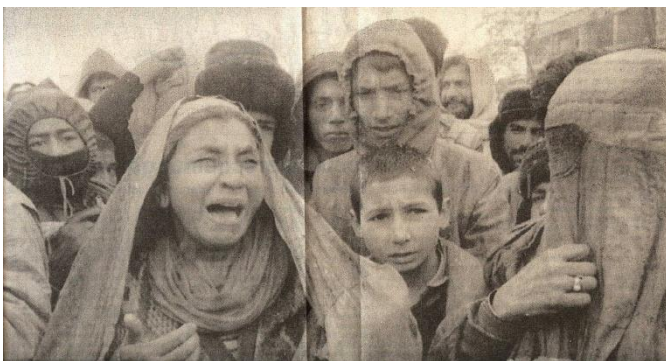
بکمک نیاز دارد» به نشر می سپارد. در گزارش میخوانیم: «اقلاً ۲۰۰۰۰۰ انسان را گرسنگی تهدید می کند.» درین گزارش تقاضا بعمل می آید، که «جامعه دول مجبور است تا به کمک های مواد خوراکی بطور عاجل افزایش بعمل آورد.» به ادامه می نویسد که ادامه بلا وقفه جنگ های بعد از سال نو، تا اکنون از قول «کلاوس کلاویتر» (Klaus Klawitter)، مدیر منطقوی «پروگرام غذائی جهان» بیش از ۷۰۰۰۰ انسان، به فرار مجبور ساخته شده اند.

بار دیگر بتاريخ ۳ فبروری «زویید دویچه سایتونگ» خبر میدهد: «شورشیان افغان»، ضد رئیس جمهور به «آتش بس» چهار روزه، بدون قید و شرط موافقت نمودند، از سازمان ملل متحد و از طریق نماینده آن سازمان، «سوتوریوس موسوریس» (Sotorious Mousouris) خواسته اند، تا تاریخ جلسه را تعیین نماید. قابل یاد آوری است، که در همه تقاضاهای قبلی آنها، استعفا «فوری برهان الدین ربانی» هم مطرح بوده است.

بتاریخ ۱۰ فبروری ۱۹۹۴م، «زویید دویچه سایتونگ»، نوشت «در جنگ بر سر قدرت در کابل از شروع همین سال تا اکنون ۹۰۰ کشته و بیش از ۱۰۰۰۰ زخمی بجای مانده است. در عین حال بیش از ۱۰۰۰۰۰ انسان هم از کابل فرار داده شده اند. قریب همه سازمان های خیریه خارجی برای «کمک های بشری»، افراد خود را از کابل بیرون کشیده اند.»

یک هفته بعد، درست بتاريخ ۱۷ فبروری ۱۹۹۴م، «زویید دویچه سایتونگ»، از اسلام آباد پاکستان خبر می دهد که: «حکمتیار می خواهد که کابل گرسنه باشد.»

بتاریخ ۹ مارچ ۱۹۹۴م، «فرانکفورتر روند شاو» از «جنگ های شدید جدید در کابل» گزارش می دهد، که در اثر آن ۱۸ کشته و بیش از ۱۰۰ زخمی بجای گذاشته است. در همین شماره: در رابطه با «هتک حرمت و تجاوز پولیس و نظامیان علیه زنان در سراسر جهان» بر ساس اطلاعات «سازمان عفو بین المللی» گزارش داده، شده است. در صف کشور های درگیر در «جنگ داخلی»، از برخورد های بی رحمانه و ظالمانه علیه زنان در افغانستان نام برده، جائیکه بیشتر از همه «زنان تعلیم یافته»، مورد کینه «افراطیون مجاهد» قرار داده شده اند.



بمسلسله اقدامات فوق «حزب اسلامی گلبدین حکمتیار»، که می خواسته است کابل را از طریق «محاصره و گرسنه نگهداشتن» به تسلیمی وادار سازد، «زویید دویچه سایتونگ»، بتاريخ ۱۴ مارچ گزارش مفصلی را از وضعیت حیاتی مردم در کابل به نشر سپرده است. در سطور قبل از گزارش می خوانیم: «کابل: تهدید نقطه عالی از یک جنگ بی پایان مجاهدین.» خشم و شدت جنگ بر نقطه قلب است. در پایتخت نیمه ویران وضعیت انسانها هر چه نگران کننده تر می گردد.

مواظبت و تغذیه روز تا روز محدود می گردد، انسان ها به گروگان بین جبهات مبدل می گردند. درین تصویر جمعیت زنان و مردان و اطفال منتظر مواصلت، قطار حامل مواد خوراکی «کمکی» بوده اند. وقتی خبر داده می شود که «مجاهدین» از ورود قطار لاری های حامل مواد خوراکی ممانعت نموده اند، این مادر بیچاره گریه سر می دهد. در همین گزارش از زمان آغاز جنگ در اول جنوری ۱۹۹۴م، تلفات انسانی را تنها در کابل به ۱۶۰۰ انسان و تعداد زخمی ها را هم ۱۲۰۰۰ یاد نموده است. صعود قیمت مواد خوراکی در یک مثال تذکر داده شده است، توجه نمایند: «برای ۱۰۰ کیلوگرام گندم، در ماه دسمبر فقط ۱۶۰۰۰ افغانی طلب می نمودند، درین اواخر برای همان مقدار در ساحة دولتی، پنج برابر، ۸۰۰۰۰ افغانی می طلبند... در ساحة تحت کنترل حکمتیار همین مقدار به مبلغ ۵۰۰۰۰ افغانی فروش می رسد.» به همین تناسب نرخ های سایر مواد ضروری اولیه نیز بلند رفته است.

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

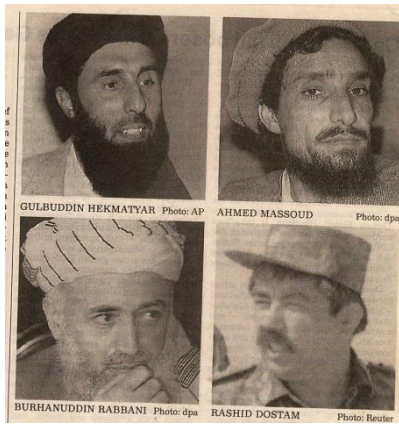
در جای دیگر از ارزیابی «صلیب احمر بین المللی، چنین گزارش می دهد:» ۵۰۰۰۰ انسان در تعمیرات رسمی دولتی و مساجد و یا مکاتب پناه برده اند. بتعداد ۳۰۰۰۰۰ فراری دیگر در خانه های شخصی سرپناه یافته اند. کم از کم ۲۵۰۰۰۰ دیگر هم تا حال در مساکن خود اند، اما محتاج کمک اند.»

در پایان عکس «گلبدین حکمتیار» می خوانیم: «گرسنگی بحیث سلاح: صدر اعظم حکمتیار تهیه ضروریات کابل را کنترل می کند. در مقابل یک مسجد انسان ها منتظر نان اند.»



ادامه جنگ داخلی درین مرحله، در حقیقت امر شهر ها، در قدم اول پایتخت مملکت را به ویرانی های غیر قابل تصور روبرو ساخت.

تصویر این تانک را «زوید دوچه ساتونگ» بتاریخ ۱۸ مارچ منتشر ساخته است. عنوان موضوع: «افغانستان: کتابچه خاطرات از یک جنگ بی معنی.» پاسداری و گردش نظامی نا مطمئن و دشوار آخرین کمک کننده ها. برای انسان ها در کابل حقیقتاً چانس زنده ماندن بدون صلیب احمر وجود ندارد، که متفاوت از سازمان ملل متحد است، که در برابر خود سری های «جنگسالاران» تسلیم نمی شوند. »



بتاریخ ۲۵ مارچ ۱۹۹۴م، روزنامه «زوید دوچه سایتونگ»، گزارش مفصلی را به نشر سپرده، در باره «دیبو» های اسلحه خیر می دهد که «برای سه سال کفایت می کند.» در سطر دوم می نویسد: «فاتحان - فاسد، زرنگ و قدرت طلب.» در سطر بعدی قبل از آغاز گزارش اصلی می نویسد: «در افغانستان میراث خوران اسلامی جنگ سرد، بر اساس انتقام جوئی کشور خود را تخریب می کنند.» درین ارتباط عکس های این چهار نفر را به نشر سپرده است.

گزارشگر «شتیفن کلاین» (Stefan Klein) از زبان «پیتر شتوکر» (Peter Stocker)، که از نامبرده بعنوان مرد وظایف انسانی دشوار، یاد می کند و از ماه جولای سال گذشته در رأس یک «هیئت» ۱۷ نفری «صلیب احمر بین المللی» در پایتخت جنگ زده کابل مصروف است،

می نویسد: «این جنگ خود آنهاست. بلی، اما اسلحه آنها نیست. ما درینجا یک جنگ غرب علیه شرق را رهبری نمودیم. ما اسلحه به قیمت صد ها میلیون درین کشور «پمپ» نمودیم.» ازین موضوع نویسنده گزارش، برداشت خود را استخراج نموده، ارائه می نماید، که «شتوکر» از آن یک «مسئولیت اخلاقی برای کمک های انسانی» می بیند.



FLUCHT aus einer zerstörten Stadt: Kabul ist Kriegsgebiet. Photo: AP

گروپ گزارشگر علاوه می کند: «ما با یک کشور شناس دیگر مقابل شدیم، که از همچو برداشت و طرز دید نمایندگی می کند. قبل از همه امریکائی ها، مجاهدین را تجهیز و تسلیح نمودند، تا اشغالگران شوروی را مجبور به زانو نشستن نمایند. این یک جنایت اخلاقی بوده است. «درینجا انسانهای کوچک را شهزاده، ساختند که مالک ذخایر بزرگ اسلحه می باشند، طوریکه مواضع خود را هیچگاه آزادانه و دوطالبانه تخلیه نخواهند کرد.» به ادامه می نویسد: «بعلت اینکه زیاد اند، بر بنای اسلحه خود، درین جنگ برادری افغان در آتش گشودن سهیم می شوند»

ازینکه این جنگ ها، از مرز های پیوند های مذهبی، پیوند های «ایتنی»، بشمول دلچسپی ها و منافع کشور های هم سرحد منطوقی، همچنان بر اوضاع بغرنج موجود می افزاید، از جمله

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

اشخاص شناخته شده، «گلبدين حكمتيار»، «رشيد دوستم»، «برهان الدين رباني» و «احمد شاه مسعود» ناميده شده اند.

نخست «از گلبدين حكمتيار آغاز مي نماييم. دريافت كننده اساسي اسلحه كمكي امريكائي در جنگ مجاهدين، از افراد برگزيده و محبوب پاكستان شمرده مي شود.» در متن از وي بعنوان «پشتون» هم ياد شده است.... در مدت ۲۳ ماه از مواضع آن در جنوب كابل، شهر را زير فير راکت و توپ گرفته است. بدون اكاملات بعدی، ذخاير اسلحه او در يك جنگ سه ساله كفايت خواهد كرد. ليكن باز هم بر اكاملات پاكستان و كمك هاي «آ.اس.آی» حساب کرده مي تواند. گزارشگر به ادامه مي نويسد: «حزب اسلامي» بعنوان يك حزب «افراطي» شهرت دارد. حكمتيار، «بنیادگرای» را بعنوان وسيله استفاده نموده، تا براساس آن مخالفين خود را مُهر «دشمنان اسلام كوبيده» بتواند و براي نابودی و قتل آن استدلال نمايد. لقب «انجنير» را بوي داده اند، در حاليكه «فقط يك و نيم سيمستر» درس را تعقيب نموده است... بحيث پيش برنده جنگ، يك لشكر ۳۰۰۰۰ نفری تحت فرماندهی اوست، كه بصورت نسبی با «ديسپلين» و قسماً مسلح می باشند.

گزارشگر، از جمله چهار عكس منتشر شده، «رشيد دوستم» را «متحد» گلبدين حكمتيار می داند. در مورد «دوستم» چنين معلوماتی را منتشر ساخته است: «دوستم رهبر مليشه در زمان نجيب الله بوده است»، در جايی توظيف می شده است، كه وضع «داغ» می بوده است. از زبان يك «كشور شناس» می نويسد كه از «دوستم» بعنوان قواي «ضربتی» و «شكنده جبهه دشمن» كار گرفته می شده است. در جايی ميخوانيم: «او صف دشمن را می شكست، بدون آنكه اسير بگيرد.» اين «محرک و اهمه و وحشت كه خود از هيچ چيز نمی ترسيد»، يك قواي ۳۵۰۰۰ نفری، كه زماني بنام «فرقه ۵۳» اردوي افغانستان ياد می شد، مانند گذشته، به «دوستم» وفادار مانده اند. از برکت «بازماندگی» های قواي شوروی، شامل «تانک»، «توپخانه» و ۲۰ «هیلیکوپتر» فعال و ۱۵ بال «طياره جنگی»، يك «اردوي کوچک» در «مزار شريف» در اختيار دارد. **«گلبدين حكمتيار»، رئيس حزب اسلامي، «جنرال» را مكرراً «كمونيست» «خائن به اسلام»، می ناميده است. اما گزارشگر می نويسد، كه اين «قوت نظامی» جنرال او را بخود جلب نموده است. بار ديگر در گزارش، از تغيير «جبهه» دوستم، در اپريل ۱۹۹۲م نامبرده است كه در آن زمان، متحد «رباني – مسعود» شناخته است. با تغيير موقف اخير «دوستم» همچنان از «تضعيف» نظامی «رباني – مسعود» ياد آور شده است.**

«رباني» را «تاجک»، «پسر» دومين گروپ بزرگترين از جمله گروپ های اجتماعي مردم افغانستان شمرده شده و رئيس جمهور «نام نهاد»، دانسته است. به هر صورت در سال قبل از طرف «شورای موی سفيدان» در مقامش تعيين گرديده بود. «رباني در سال ۱۹۴۰م تولد يافته، در قاهره و انقره، در رشته حقوق اسلام تحصيل نموده است. در فاكولته شرعيات تدريس می نموده است. او بحيث يك شخص زرينگ، فاسد و رشوة خوار، «اپورتونيست» و قدرت طلب شهرت يافته است...از جمله مؤسسين «حزب اسلامي»، در سال ۱۹۷۹م، بعلت اختلاف نظر با «حكمتيار»، از آن منشعب گرديده است. «جمعيت اسلامي افغانستان» (سني) را تاسيس نموده، از نگاه مذهبی «بنیادگرا» و از نگاه سياسي «فاشيستی» درجندی می گردد...»

ادامه دارد ...

د پانو شميره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دلپكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولي